

# نظامیان و سیاست در گفت‌وگو با زهره الهیان بسج می‌تواند در سیاست دخالت کند

اهورا جهانبیان

زهره الهیان بیش از آن که نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی به نظر آید، چونان نماینده دولت، در صحنه سیاست پدیدآمده از جنبش سبز ملت سخن می‌گوید. او ظاهراً بر نقض اصول امام دروغ می‌خورد اما وقتی که سخن از دخالت نظامیان در سیاست می‌شود، دیگر اصول امام را فراموش می‌کند و به هر اصلی متوسل می‌شود تا عدم دخالت نظامیان در سیاست را از دایره اصول امام خارج سازد. وقتی از او پرسیدیم جمله صریح امام در خصوص کناره‌گیری نظامیان از سیاست را چگونه تفسیر می‌کنید، از ادامه گفت‌وگو طفره رفت و با این کار «منطق اصول‌گرایانه» خود را بر آفتاب افکند.



موسوی در مناظره‌ها نسبت به موضوع اسرائیل و فلسطین داشتند، چنین مطالباتی وجود داشت. اما بحث اساسی درباره جنبش سبز، پذیرش ساختارهای اساسی نظام از سوی این جنبش است. در این زمینه تناقض آشکاری در عملکرد آقای موسوی دیده شد. یعنی ایشان در حالی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند که این نهاد متعلق به بالاترین سطح قدرت در نظام است ولی ایشان ساختارهای موجود در نظام را برای بحث صیانت از آراء و بررسی مستندات و مدارک، قبول نداشتند و اساساً به این ساختارها واقعی نگذاشتند. ضرورت قانون مداری و پذیرش ساختارهای درون نظام از سوی مقام معظم رهبری هم مورد تأکید قرار گرفت ولی متأسفانه توجهی به آن نشد.

**مهندس موسوی در بیانیه‌هایش بارها تأکید کرده که جمهوری اسلامی را قبول دارد اما انحراف از خط امام را قبول ندارد.**

البته جنبش سبز به شعارهای امام هم بی‌توجه بوده است...

**یکی از توجهات جنبش سبز به شعارهای امام، مخالفت این جنبش با حضور نظامیان در سیاست بوده است؛ امری که مخالفان جنبش سبز در حال حاضر به شدت از آن دفاع می‌کنند زیرا تأمین منافع سیاسی آنها در گرو دخالت نظامیان در سیاست است. نقض اصول امام اگر هم رخ داده باشد از سوی دو طرف بوده است.**

حالا بحث حضور نظامیان در سیاست، بحثی است که به طور مفصل باید به آن پرداخته شود.

دیده نمی‌شود و در کل ساختارهای نظام مورد قبول این جنبش نیست که بخواهد در درون نظام فعالیت داشته باشد. جنبش سبز باید موضع خودش را در قبال دشمنان قسم‌خورده نظام، یعنی آمریکا و اسرائیل، خیلی شفاف و واضح مشخص کند. متأسفانه ما چنین چیزی را در جنبش سبز نمی‌بینیم. نمونه آن هم، راه‌پیمایی روز قدس بود که در آن شعارهایی بر خلاف آموزه‌های امام که جزء اصول سیاست خارجی ما محسوب می‌شوند، سر داده شد. روز قدس نشانه دیگری از این امر بود که جنبش سبز خودش را در درون نظام تعریف نکرده است. این که امروز ولایت فقیه باید به عنوان راه برون‌رفت از وضعیت موجود باشد و این نکته توسط آقای هاشمی هم مطرح شد، امری است که مورد قبول هواداران و شخصیت‌های سیاسی جنبش سبز قرار نگرفته است زیرا فرمایشات مقام معظم رهبری در ایام پس از انتخابات، بر زمین مانده و به آن توجهی نشده است. محوریت ولایت فقیه، توصیه‌ای بود که آقای هاشمی داشتند که به آن توجهی نشد. بنابراین به نظر من در شرایط موجود نمی‌توان جنبش سبز را در درون نظام تعریف کرد مگر این که اتفاقات دیگری بیفتد.

**مطالبات جنبش سبز بیشتر مربوط به انتخابات است. یعنی این جنبش در حوزه سیاست خارجی مطالبه ویژه‌ای ندارد که بخواهد تکلیف خودش را با آمریکا یا اسرائیل روشن کند.**

بارها بوده است. اگر دقت کنید در شعارهایی که در روز قدس مطرح شد یا در مواضع آقای

**ظاهراً پیشنهادات هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۶ تیر، چندان مورد پذیرش هسته مرکزی قدرت در نظام جمهوری اسلامی واقع نشده است. آیا سایر پیشنهادات مسالمت‌جویانه در این خصوص، می‌توانند فایده‌ای داشته باشند؟**

منظورتان کدام پیشنهاد آقای هاشمی است؟

**آزادی زندانیان سیاسی، گشایش فضای مطبوعاتی، امکان حضور مخالفان نتیجه انتخابات در تلویزیون برای بحث با طرف مقابل و ...**

پیشنهادات آقای هاشمی نباید با سایر پیشنهادات ایشان در تناقض باشد. من فکر می‌کنم قبل از ایجاد فضای ناشی از پیشنهادات آقای هاشمی، جنبش سبز باید تکلیف خودش را با آرمان‌ها و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مشخص کند. اگر این اصول و مبانی مورد قبول جنبش سبز باشد جنبش سبز می‌تواند در درون نظام فعالیت داشته باشد و به گفت‌وگو پردازد و اعلام‌نظر کند. اما آنچه که ما تا به حال شاهد آن بوده‌ایم چنین نبوده است. یعنی آرمان‌ها و اصول و مواضع تعریف شده از سوی امام و قانون اساسی برای نظام جمهوری اسلامی، از سوی جنبش سبز رعایت نشده است. تا زمانی که این شفاف‌سازی صورت نگیرد جنبش سبز در درون نظام امکان فعالیت ندارد. آقای هاشمی هم پیشنهاداتی در راستای قانون‌گرایی و قانون‌مداری داشتند ولی متأسفانه اثری از این قانون‌گرایی در جنبش سبز

ما نهادی مردمی مثل بسیج را یک نهاد نظامی نمی‌دانیم. بسیج مرکب از توده‌های مردم است و ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که توده‌های مردم در انتخابات و مسایل کلان سیاسی دخالت نکنند.

**شما موضع‌گیری فرمانده سپاه در میانه دعوی دو جناح سیاسی کشور را مصداق دخالت نظامیان در سیاست نمی‌دانید؟**

البته پس از انتخابات از آن جایی که حوادث خصلت امنیتی پیدا کردند و به یک موضوع امنیتی تبدیل شده و با نظم عمومی و امنیت اجتماعی گره خوردند، قاعدتا امنیت اجتماعی به دست سپاه و بسیج افتاد.

**قبل از انتخابات، آقای فیروزآبادی به نفع احمدی‌نژاد موضع‌گیری صریح داشتند و در دو سال گذشته هم موضع‌گیری سیاسی نظامیان به حدی زیاد بود که حتی سید حسن خمینی هم نسبت به این امر هشدار داد.**

قاعدتا شما نمی‌توانید انتظار داشته باشید مسوولین و شخصیت‌های سیاسی در مساله‌ای مهمی چون ریاست جمهوری، موضعی اتخاذ نکنند

**ولی در دهه ۶۰ که آن همه دعوی سیاسی بین دو جناح چپ و راست کشور در جریان بود، امام به فرمانده سپاه اجازه نمی‌داد که موضعی در قبال انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس اتخاذ کند.**

دفاع از اصول و آرمان‌ها قاعدتا خیلی مصداق موضع‌گیری سیاسی نمی‌شود. جایی که بحث اصول و دفاع از اصول به میان می‌آید، قطعاً انتظار می‌رود آنهایی که به واسطه مسوولیت‌شان به دنبال حفظ مبانی نظام و انقلاب هستند، حتی اگر در راس مسوولیت‌های نظامی هم باشند، بی‌تفاوت نشینند.

**پس شما آن جمله وصیت‌نامه امام را که به صراحت می‌گوید نظامیان در سیاست دخالت نکنند، چگونه تفسیر می‌کنید؟**  
قرار بود این مصاحبه یک مصاحبه کوتاه باشد.

**منظور من از یک مصاحبه کوتاه، مصاحبه‌ای ۱۵-۱۰ دقیقه‌ای بود. الان که ما در دقیقه ششم مصاحبه هستیم. لطفا نظرتان را درباره آن جمله وصیت‌نامه امام بفرمایید.**  
خواهش می‌کنم بیشتر از این وقت مرا نگیرید.



# حقوق بشر و مذاکره ایران و آمریکا

روشنک دوراندیش

مسیر مخالفت با حکومت ایران، نباید بر روی حمایت جهان غرب، حساب چندان باز کرد. هر چند که عموم این افراد متعلق به جریانهای سیاسی چپ‌گرا هستند اما برخی از لیبرال‌های ایرانی نیز معتقدند اتکا به حمایت دولت‌های غربی در مسیر مبارزه با جمهوری اسلامی، مصداقی از "اشتباه محاسباتی" است. از نظر این افراد، مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و خارج ایران، باید به حمایت فعالان جامعه مدنی در کشورهای غربی امیدوار باشند و بکوشند تا بلکه از این طریق، افکار عمومی کشورهای غربی را به نفع خویش بسیج سازند تا سرانجام به نتایج سیاسی مطلوب خویش دست یابند. بدین معنا که بسیج افکار عمومی در جهان غرب، بر سیاست خارجی کشورهای غربی در رابطه با ایران تاثیرگذار باشد. اما قطع کمک مالی دولت آمریکا به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، احتمالاً موجب ناامیدی و اعتراض نیروهای مخالف نظام جمهوری اسلامی در خارج از کشور خواهد شد. برخی از تحلیل‌گران سیاسی و فعالان حقوق بشر، بلافاصله پس از اعلام این خبر، این نکته را یادآور

همزمان با اظهار رضایت مقامات آمریکایی از مذاکرات کشورهای ۵ + ۱ با ایران در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران، خبر قطع کمک مالی دولت آمریکا به "مرکز اسناد حقوق بشر ایران" نیز اعلام شد. مرکز اسناد حقوق بشر ایران، در اواخر سال ۲۰۰۴ میلادی با کمک یک میلیون دلاری وزارت امور خارجه آمریکا در نیویورک ایالت کاناتیکات تاسیس شده‌است. یکی از اهداف این مرکز، بررسی و مستندسازی موارد تخلف حقوق بشر در ایران اعلام شده‌است. رنه ردمان، مدیر این مرکز، اعلام کرده‌است که وزارت امور خارجه آمریکا از سال ۲۰۰۴ میلادی حدود سه میلیون دلار در اختیار مرکز او قرار داده و در عمل ۹۰ درصد بودجه آن را تامین می‌کرده‌است. قطع کمک مالی دولت آمریکا به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، می‌تواند امید اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی نسبت به تداوم فشارهای حقوق بشری دولت آمریکا بر حکومت ایران را کاهش دهد. از دیرباز بسیاری از مخالفان جمهوری اسلامی بر این نکته تاکید داشته‌اند که در